

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی (سعید افغانی)
۲۳ جنوری ۲۰۱۸

حضرت عمر (رض) و آزادی دینی!

۲

مؤرخین می افزایند:

احکام حضرت عمر (رض) درباره اهل ذمه نه تنها در مدینه قابل اجراء بود، بلکه به سایر والیان و قومندان خویش اکیداً هدایت فرمود: که همچو اجراءات را در قلمرو حکومت های خویش در نظر داشته باشند. (نصب الرأیة للزیلعی (۷/ ۴۵۳).

این عملکرد و مشابه آن بیانگر میزان عدالت اسلام حضرت عمر (رض) است که می خواهد پایه های حکومت خود را بر اساس عدالت استوار سازد تا جایی که با غیر مسلمانان این گونه برخورد می نماید. پس نتیجه می گیریم که آزادی دینی برای غیر مسلمانان در قلمرو اسلام، یکی از نشانه های بارز حکومت خلفای راشدین بوده است.

خواننده محترم!

- اگر به فتوحات اسلامی نظر اندازیم به وضاحت تام در خواهیم یافت که با گسترش فتوحات اسلامی در جهان دیده نشده است که هرگز مردم آن منطقه به زور مجبور به ایمان آوردن شده باشند، بلکه فلسفه و غایت فتوحات اسلامی این بود که مردم مظلوم از چنگال ستمگران حاکم رهائی یابند.

- بنابر همین سیاست انسانی بود که در زمان فتوحات، مردم با دل و آغوشی باز از نمایندگان اسلام استقبال می کردند و اسلام را بدون هیچ ترس و تردید و دودلی می پذیرفتند و پس از قبول اسلام، برنامه های آن را در میان خانه، خانواده و جامعه خود عملی می کردند.

نویسندگان محقق اسلامی، تحقیقاتی که در مورد فتوحات اسلامی به عمل آورده اند، علت اصلی پیشرفت مسلمین را در مجموع در نکات ذیل خلاصه می نمایند:

- ایمان به خداوند لایزال و اعتقاد جازم به نصرت و مدد خدا که در قرآن به آن ها نوید داده و به آن ها فهمانده است که شرط پیروزی در جنگ کثرت سربازان نظامی نیست، بلکه اخلاص در عمل و ثبات در کار لازم است.

طوری که قرآن عظیم الشان می فرماید: «كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (سوره البقرة: ۲۴۹). یعنی: «چه بسا که عده کمی، به حکم خدا بر عده زیادی پیروز شدند و خدا همیشه با کسانی است که صبر و ثبات دارند».

- ایمان و یقین به اخذ نتیجه نافع از جنگ خود، چه بر دشمن غالب شوند و چه دشمن بر آنها پیروز شود، زیرا مطابق حکم قرآن عظیم الشان، هرگاه مسلمین بر دشمن غالب شوند، به افتخار پیروزی و کسب غنیمت دنیوی و لقب عالی اسلامی یعنی غازی را حاصل می نمایند، و اگر مغلوب و در جنگ کشته شوند، لقب عالیترین مقام یعنی شهادت و جنت فردوس را کمائی می کند. طوری که قرآن عظیم الشان در مورد می فرماید:

«قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (سوره التوبة: ۵۲) یعنی: «بگو به دشمنانت! آیا از جنگ ما با شما جز تحقق قطعی یکی از دو امر نیکو چیز دیگری برای ما انتظار می کشید». این دو امر نیکو یکی همان پیروزی و غنیمت و مقام غازی بودن و دیگری شهادت و کسب ثواب اخروی است.

بنابر همین عقیده است که مسلمانان در همه احوال (غالب و مغلوب) به اخذ نتیجه نافع مطمئن و آنها را به جهاد شان دلگرم ساخت، زیرا به طور قطع یا به غنیمت می رسیدند، یا به شهادت. مسلم است اشخاصی که دارای چنین عقیده و ایدئولوژی باشند، ترس و هراسی از جنگ در دل شان جای ندارد.

- حسن اخلاق و رفتار عادلانه یکی از موضوعات بی نهایت اساسی که سربازان اسلامی پس از فتح با مردم شهرهای تسخیر شده به عمل می آوردند.

مؤرخین می نویسند زمانی که خالد بن ولید یکی از شهرهای عراق را از طریق صلح فتح کرد و از مردم جزیه گرفت، ولی پس از چندی بنا به مقتضای وقت و طبق فرمان حضرت ابوبکر خلیفه اول اسلام، آن را تخلیه کرد، لذا کلیه وجوهی را که بابت جزیه از مردم شهر اخذ نموده بود، عیناً همه آنها را دوباره به مردم مسترد نمود، زیرا جزیه در مقابل حفظ نظم و امنیت شهر از مردم گرفته می شد. پس حال که شهر را تخلیه می کنند و از اینجا می روند و کار مردم را به خودشان واگذار می کنند، باید پولی را که از آنها از این بابت گرفته اند به آنها پس دهند.

این رفتار عادلانه برای مردم شهر تعجب آور بود، دل‌های شان را نسبت به این فاتحین به حدی تسخیر کرد که وقتی از شهرشان خارج می شدند، به آواز بلند دعا کرده می گفتند: «خدا شما را به سلامت نزد ما باز آرد». (تاریخ الاسلام، دکتر حسن ابراهیم دانشمند مصری).

همچنان یهودیانی که در شامات (سوریه، فلسطین، لبنان، اردن) و مصر تحت فشار رومیان زندگی به سر می بردند، پس از تسلط مسلمانان بر آن دیار تورات را به دست می گرفتند و می گفتند: تا زنده ایم نخواهیم گذاشت قیصر به اینجا باز گردد. (قیصر لقب هریک از پادشاهان روم بود)

مؤرخین می نویسند: همچنان قبطی‌ها پس از تسلط مسلمین بر مصر به حدی خوشحال شدند که یکی از اسقف‌های بزرگ اسکندریه به نام بنیامین در یکی از خطبه‌های مهیج خود گفت: «در اسکندریه همان نجات، اطمینان و آسایشی که همیشه آرزو داشتم اکنون یافتم». (اسقف یعنی پیشوای مذهبی مسیحیان او بالاتر از کشیش است).

یکی از مسیحیان به نام ویرس می گوید: روزی که از کلیسای مکاریوس در مصر پس از فتح مسلمانان دیدن کردم، دیدم مردم مانند گاو‌هائی که از بند آزاد شده باشند، غرق مسرت شده اند (تاریخ اسلام، دکتر حسن ابراهیم مصری).

مؤرخین می افزایند: بعد از این که دختر مقوقس فرمانروای مصر هنگام فتح شهر فرماد اسپر شد. عمرو بن العاص خلاف هر فاتح مقتدری او را مورد احترام قرار داد و در حالی که به وسیله چند نفر مسلمان حفاظت می شد، نزد پدرش فرستاده شد. (تاریخ اسلام، دکتر حسن ابراهیم مصری).

چنان که در تواریخ اسلامی و غیر اسلامی دیده می‌شود، مسلمین به هر شهری که از طریق صلح داخل می‌شدند نه دست به قتل کسی می‌زدند و نه اموال غیر دولتی را تصاحب و غارت می‌کردند، نه چشم به اعراض و نوامیس مردم داشتند، نه متعرض معابدشان می‌شدند، نه از اقامه عبادات و شعائر دینی یا مراسم ملی آن‌ها جلوگیری می‌کردند در بسیاری از حالاتی دیده شده است که: مردم نسبت به این فاتحین عادل محبت می‌کردند و آنان را با آغوش باز پذیرائی می‌نمودند .

گوستاولوبون دانشمند و نویسنده مشهور فرانسوی در کتاب خویش به نام "تمدن اسلام و عرب" می‌نویسد: در دنیا کشور گشایانی مهربان‌تر و فاتحینی عادل‌تر از عرب‌ها دیده و شنیده نشده است.

حقاً اگر بگوئیم مسلمین به وسیله حسن اخلاق و عدالت بی‌سابقه خود بهتر و بیشتر از عملیات نظامی به پیروزی حیرت‌انگیزشان دست یافته‌اند .

اگر تاریخ فتوحات اسلامی را ورق بزنیم در خواهیم یافت: مناطق و کشور هائی که از طریق صلح تسخیر گردیده است، بیش از شهرهائی است که با قدرت و جنگ گرفته‌شده باشد، و این خود دلیل واضحی است بر این که حسن رفتار و اخلاق سربازان اسلامی در بین مردم به خوبی شهرت یافته بوده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

رهنمود های تاریخی پیامبر اسلام :

- « لا تتمنوا لقاء العدو، و إذا لقيتموه فاصبروا» (أخرجه البخاری فی الجهاد ۳۲/۱۱۲، ۱۵۶ و مسلم فی الجهاد ۱۹/۲۰). (آرزوی روبه رو شدن با دشمن را نکنید، اگر هم با آنان روبه رو شدید آرام و صبور باشید).
- زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم معاذ پسر جبل (رض) را به یمن فرستاد به او گفت: « لا تقاتلوهم حتی تدعوهم، فإن أبوا فلا تقاتلوهم حتی یبدنوکم فإن بدووکم فلا تقاتلوهم حتی یقتلوا منکم قتیلًا ثم أروهم هذا القتل و قولوا لهم هل إلى خیر من هذا؟ فلان یهدی الله علی یدک رجلاً واحداً خیر لک مما طلعت علیه الشمس.» (الزحیلی، العلاقات الدولیه فی الاسلام، مصدر سابق، صفحه ۳۸). (با آنان نجنگید تا این که اول آنان را به پذیرش شرایطتان (از جمله صلح) فرابخوانید، اگر از جواب دادن به خواسته‌هایتان سرباز زدند باز نباید با آنان وارد جنگ شوید تا این که آنان شروع کنند جنگ را، و اگر باز هم آنان جنگ را نیز شروع کردند شما دست از جنگ بردارید تا یکی از رزمندگان را به قتل می‌رسانند و سپس جنازه آن کشته شده را به آنان نشان دهید و خطاب به آنان بگوئید آیا هیچ راهی بهتر از این (جنگ) را سراغ ندارید و حتماً با ما می‌جنگید؟! سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: اگر خداوند کسی را از طریق تو هدایت کند بهتر است برای تو از دنیائی که با نور آفتاب روشن می‌شود).

- زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم لشکری را به محلی اعزام می‌کردند خطاب به آنان می‌فرمودند: «تأفوا الناس و لا تغیروا علی حی حتی تدعوهم الی الإسلام فو الذی نفس محمد بیده ما من اهل بیت من وبر و لا مدر تاتونی بهم مسلمین إلا أحب الی من أن تاتونی بنسانهم و أبناهم و تقتلون رجالهم.» (زوائد الهیثمی، الجزء الثانی، الحدیث رقم ۶۳۷).

(با مردم به نیکی رفتار کنید، به هیچ محله‌ای هجوم نبرند تا زمانی که آن‌ها را به اسلام دعوت کنید، قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، این که ساکنان خانه‌ها، قریجات و یا خیمه‌ها را به اسلام دعوت نمائید، نزد من ارزشمندتر است از این که زنان و فرزندان آنان را اسیر نموده و پیش من بیاورید و یا با مردان آن‌ها بجنگید.)

- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هر بار لشکر اسلام را سفارش می‌کرد به این که زمین‌های زراعتی و درختان را نابود نکنند، زنان و اشخاص پیر و سالخورده را نکشید و با آنانی که با شما نمی‌جنگند و هیچ نقشی در جنگ نداشته‌اند کاری نداشته باشید.)

- همانطور که می‌فرمایند: «اغزوا باسم الله فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله اغزوا و لا تغلوا و لا تغدوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیدا» (صحیح مسلم، الجزء الثالث، الحدیث رقم ۱۷۳۱). (به نام خدا در راه خدا بجنگید و با کسانی که به خدا ایمان ندارند بجنگید، جهاد کنید و غارت و دزدی نکنید. کارهای زشت و ناپسند انجام ندهید به هیچ کس بی احترامی نکنید و کودکان را نکشید.)

- در حدیث دیگری آمده است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم سربازان خویش از بی حرمتی و بی احترامی به مردم منع می‌نمود، اگر چه کافران این کار را در حق مسلمانان روا می‌داشتند.

- در حدیثی قناده می‌فرماید: که پیامبر صلی الله علیه وسلم تأکید و سفارش آکید به سربازان خویش داشت که در خیر و خیرات و صدقه سهم داشته باشید، و آنان را از بی احترامی و اهانت به مردم منع می‌داشتند. (صحیح البخاری الجزء (۵)، الحدیث (۳۹۵۶). مفهوم بی احترامی این که سربازان اسلام از مثله یعنی بریدن گوش و زبان و بینی و یا بیرون آوردن چشم و... منع می‌فرمودند.

- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمان دادند کافرانی که در میدان جنگ کشته می‌شوند، آنان را دفن کنند و جسد هیچ انسان غیر مسلمانی نباید روی زمین بماند؛ مبادا که خوراک جن و حیوانات درنده و پرندگان شوند. تأکید همیشگی رسول الله صلی الله علیه وسلم بر این بود که زخمی‌ها و مجروحین دشمن (کافران) را بدون درمان، و تداوی رها نکنند.

- رفتار و برخورد رسول الله صلی الله علیه وسلم با کافرانی که در جنگ شکست خورده بودند خیلی با احترام و مهربانانه بود.

در فتح مکه که آخرین جنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با قریش بود، تمام آن‌ده کسانی که تا دیروز پیامبر اسلام را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و در حق او خیانت می‌کردند و ایشان را از دیار و سرزمین خود اخراج کرده بودند و حتی آزار و اذیت آنان به حدی بود که تاریخ بشریت به یاد ندارد، همه آنان را مورد عفو قرار می‌دهد.

مؤرخین می‌نویسند: پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطاب به آنان گفت: «ما تظنون انی فاعل بکم؟» (چه فکر می‌کنید می‌خواهم با شما چکار کنم؟) آنان گفتند: «أخ کریم و ابن أخ کریم» (برادری بزرگوار و برادرزاده‌ای دلسوزی) پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنان می‌گوید من همان گفته برادرم یوسف را می‌گویم که فرمودند: «قال لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین» (سوره یوسف/۹۲) (نگران نباشید من امروز شما را سرزنش نخواهم کرد خدا شما را ببخشد، بدون شک خدای متعال بهترین مهربانان است) و سپس فرمودند: «اذهبوا فائتم الطلقاء» (اخرجه البخاری فی المفازی ۳/۳۴۵) (پس بروید شما آزاد هستید).

با تمام این جوانب مثبت و اصول انسانی به جاست تا متذکرشوم که با در نظر داشت فتوحات اسلامی در طول قرن‌ها به یقین تخلفات از این اصول هم صورت گرفته باشد که در جوامع بشری کاملاً ممکن و قابل وقوع اند.

اما آنچه از مستندات و اصول آزادی و دیموکراسی تعریف شده اسلامی را با نمونه‌های مشخص و مستند خدمت شما تقدیم کردیم، آن اصول و پرنسپ‌های است که در جوامع اسلامی و حاکمیت‌های اسلامی باید مراعات و متخلفین از این اصول و روش‌های قبول شده باید مورد پیگرد عدلی و قضائی قرار گیرند.

علماء و روحانیون اسلامی باید به پیروی این قواعد و اصول ملت مسلمان را نصیحت و هدایت خیر بدارند. و ما علینا
الا البلاغ المبین . **پایان**

موضوع : حضرت عمر(رض) و آزادی دینی!

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

مهتمم : دکتور صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»

مصصح: فضل احمد